

از نگاه دیگر



آثار سازنده زیارت از دیدگاه قرآن و سنت

آیت الله جعفر سبحانی



«زیارت» در لغت به معنای «قصد» است و در موردی به کار می رود که فردی از نقطه‌ای به نقطه دیگر، برای دیدار شخصی یا مکانی برود و هدفش از این کار تعظیم و تکریم آن فرد یا آن مکان باشد.^۱ گاهی نیز زیارت به جمله‌ها و عباراتی گفته می‌شود که انسان با آن‌ها، با فرد سخن می‌گوید و این اصطلاحی غیر از اصطلاح لغوی است.

آثار سازنده زیارت از دیدگاه قرآن و سنت

شماره ۵۵ - پاییز ۱۳۸۷

مبتدا

۱۵۰

اسلام و فطرت

اسلام، آیینی است فطری و دستورهای آن با آفرینش انسان هماهنگ و همسو است؛ این آیین، از هر نوع تشریع خلاف فطرت پیراسته است. قرآن مجید بر این اصل تصریح می‌کند و می‌فرماید:

﴿فَأَنقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

مثلاً انسان همواره عدل و داد را دوست دارد و از ظلم و ستم بیزار است و به زندگی اجتماعی علاقه‌مند و از زندگی در بیغوله‌ها گریزان و
اکنون به بحث در مورد دیدار و زیارت انسان‌های محبوب در آرامگاه‌هایشان پرداخته و نظریه اسلام را در این زمینه بررسی می‌کنیم:

علاقه به درگذشتگان فطری است

هر انسان سالمی به پدر، مادر، فرزندان، بستگان و دوستان خود علاقه‌مند است و گاهی هستی خود را فدای آن‌ها می‌کند و پس از درگذشت ایشان، به یاد آن‌ها است و در خانه دل، مهر و محبت آنان را پرورش می‌دهد و از همین رو است که آثار و یادگارهای آن‌ها را حفظ می‌کند و پس از خاکسپاری، همواره مهر خود را در کنار قبر آنان به نمایش می‌گذارد تا رابطه‌اش با این از دست رفتگان قطع نشود و آرامگاه آنان به صورتی خاص محفوظ بماند. بنابراین، جلوگیری از زیارت قبور افراد مورد علاقه، امری است ناسازگار با فطرت و گامی است در مخالفت با خواسته‌های انسان. از این رو، شرع مقدس به زیارت قبور فرمان داده و آثاری بر آن بیان شده است.

آثار تربیتی زیارت قبور

شک نیست که انسان موجودی است با حرص و ولع و دوستار مال و جاه؛ ولی در عین حال عواملی در زندگی او هست که این خواسته را تعدیل می‌کند و به این غریزه سر و سامان می‌بخشد و کاری می‌کند که تلاشش برای زندگی و گردآوری اموال و ثروت در مسیر سعادت باشد نه در مسیر گردآوری اموال.

یکی از عوامل تعدیل کننده این درخواست، رفتن به وادی خاموشان است که در آن،

بزرگان و قدرتمندان و ثروتمندان جهان با لباسی سفید و هم‌شکل آرمیده‌اند و چیزی جز کفن همراه خود نبرده‌اند. همین دیدار سبب می‌شود که انسان، از حرص و آز خویش بکاهد و دل به دنیا نبندد.

در روایاتی که از پیامبر خدا ﷺ نقل شده، به این نکته تصریح گردیده است. آن حضرت می‌فرماید:

«كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ. أَلَا فَرُّوْهَا فَإِنَّهَا تُرِقُّ الْقَلْبَ وَ تَدْمَعُ الْعَيْنَ وَ تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ»^۳
و در حدیث دیگر فرمودند:

«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ»؛

ام سلمه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمودند: «زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا عِبْرَةً»؛ «قبور را زیارت کنید؛ زیرا برای شما در آن آموزندگی و عبرت است.»

زیارت قبور عالمان

آنچه گفته شد، مربوط به زیارت قبور مردم عادی است که کمترین فایده آن، یادآوری مرگ و روز رستاخیز است، ولی زیارت تربت عالمان، اثر دیگری دارد؛ زیرا علاوه بر این که از شخص آنان تجلیل می‌شود، نوعی ترویج از علم و دانش به شمار می‌رود و سبب می‌شود که نسل جوان، به خاطر احترامی که عالمان - در زندگی و پس از مرگ - دارند، به علم‌گرایش پیدا کنند و در شمار آنان درآیند.

زیارت تربت شهیدان

زیارت تربت شهیدان که با خون سرخ خویش از شرف و عزت ملتی دفاع کرده‌اند مفهومی فراتر از زیارت قبور افراد عادی دارد. حضور در کنار مرقد آنان نوعی بستن پیمان با ایشان است که راه آن‌ها را ادامه خواهند داد. برای روشن شدن مطلب، مثالی را مطرح می‌کنیم:

زائر خانه خدا در طواف، «حجرالأسود» را استلام می‌کند. هدف از دست‌گذاشتن بر این سنگ سیاه چیست؟ هدف، نوعی پیمان بستن با ابراهیم خلیل عليه السلام است که پیوسته در راه آرمان او، سعی و کوشش کند و چون دست زائر به قهرمان توحید نمی‌رسد، دست بر چیزی می‌گذارد که بازمانده از اوست.

در احادیث وارد شده که زائر خانه خدا به هنگام استلام حجر بگوید:

«أمانتي أدبتيها و ميثاقي تعاهدتُه لِتَشْهَدَ لِي بِالْمَوْافَاةِ».

«امانتی که بر دمه‌ام بود ادا کردم و بیعت خود را تجدید نمودم تا به ادای آن گواهی دهی.»

از این بیان روشن می‌شود که چرا اسلام دستور می‌دهد به زیارت شهیدان اُحُد و کربلا و دیگر شهدا بشتابیم؛ زیرا حضور در کنار تربت آنان و یاد دست گذاردن بر ضریح و قبرشان نوعی بستن پیمان با روح و هدف آنان است که زائر راه آنان را تداوم خواهد بخشید. پس زیارت قبر شهید، گذشته از تکریم و احترام او، پاسداری از آرمان‌های اوست.

حضور در حرم پیامبر ﷺ

حضور یافتن در حرم حضرت رسول ﷺ، گذشته از این که قدرشناسی از جان‌فشانی‌ها و فداکاری‌های اوست، بیعت با آن حضرت و نشان پایداری بر آرمان‌های او نیز هست. این مطلب از امام هشتم علیه السلام وارد شده که فرمود:

«إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ»^۵.

«هر امامی به گردن دوستان و شیعیان خویش پیمانی دارد و زیارت قبور پیشوایان، بخشی از عمل به این پیمان است.»

گویی زائر در زیارت، با پیشوای خویش پیمان می‌بندد که جز راه آنان نپیماید و از راه و رسم دیگری پیروی نکند و با رهبر خویش اینگونه گفت و گو می‌کند:

«ای پیامبر خدا، اگر انصار در «عقبه دوم» با تو بیعت کردند تا از حریم رسالت دفاع کنند و یا گروهی از مهاجر و انصار در «حدیبیه» با تو دست بیعت دادند که به حمایت از دین خدا پردازند، من نیز ای شفیع امت، با حضور در حرم تو و تماس با تربت پاک تو، با تو پیمان می‌بندم که پاسدار آرمان‌های تو باشم. گرد شرک و گناه نگردم و از تو می‌خواهم که برایم از درگاه الهی طلب آمرزش کنی.

اگر گردشگران عالم برای دیدار آثار باستانی و مناظر زیبا، رنج سفر بر خود هموار می‌کنند؛ من با دویدن در بیابان و خفتن در کنار خار مغیلان، خواهان زیارت مرقد تو هستم. از آن جا که دستم به تو نمی‌رسد، تربت تو را می‌بویم و می‌بوسم.

طلب آمرزش از پیامبر خدا ﷺ

در قرآن مجید به گنه کاران دستور داده شده که به حضور پیامبر ﷺ برسند و از او درخواست آمرزش کنند و پیامبر خدا ﷺ هم در حق آنان دعا نمایند. در این صورت خداوند گناهان آنان را می بخشد:

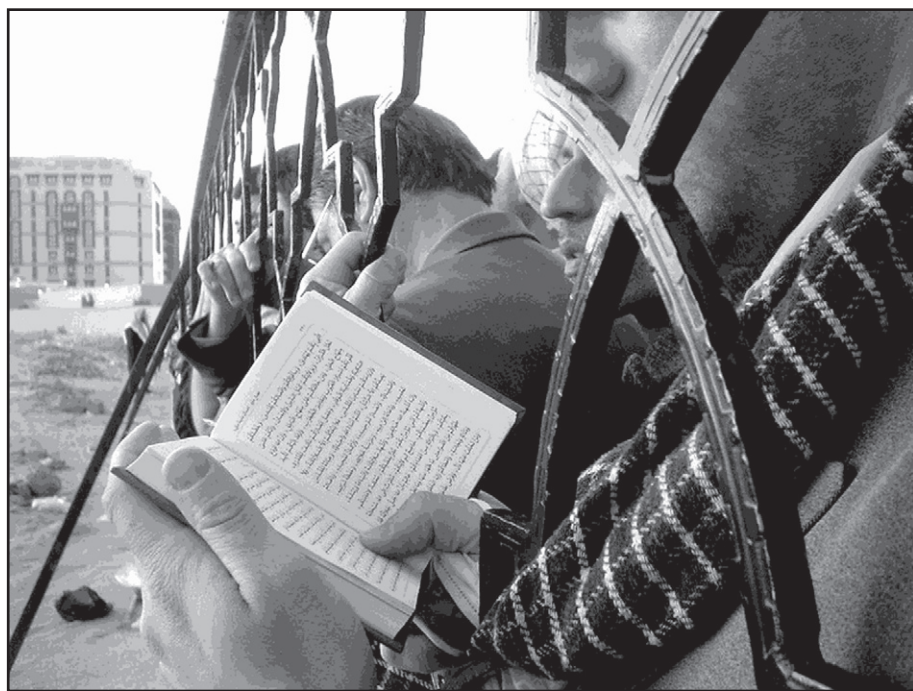
﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۶

«اگر آنان که بر خویش ستم کرده‌اند نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می‌خواست، خدا را توبه پذیر و مهربان می‌یافتند.»

این آیه هر چند در آغاز نظر، مربوط به دوران حیات پیامبر ﷺ است، ولی با توجه به این که پیامبر شهیدان بهتر از شهیدان، زنده است و پیام‌های زائران را می‌شنود و پاسخ درود فرستندگان را نیز می‌گوید؛ می‌تواند برای زائران مرقد خویش طلب مغفرت کند. شگفتا! همین آیه، هم اکنون که مرقد پیامبر خدا ﷺ در اختیار افراد بی‌مهر و یا کم‌مهر قرار گرفته، بالای مرقد او نوشته شده است.

زیارت قبور و سنت پیامبر ﷺ

نه تنها پیامبر ﷺ به‌طور شفاهی، یاران را به زیارت قبور می‌خواند، بلکه خود نیز به زیارت آنان می‌رفت. مُسَلِّم در صحیح خود نقل می‌کند: عایشه - همسر پیامبر ﷺ - می‌گوید: پیامبر در



آخرین بخش شب، خانه را به قصد زیارت بقیع ترک می کرد و آنگاه وارد این سرزمین می شد و با آرمیدگان در دل خاک اینگونه سخن می گفت:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوَعَدُونَ غَدًا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرْقَدِ»^۷

«درود بر شما ای ساکنان خانه افراد با ایمان! آنچه که به وقوع آن در آینده وعده داده می شدید، سراغ شما آمد (و شما میان مرگ و روز رستاخیز به سر می برید). ما نیز به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! اهل بقیع غرقد را ببامرز!»

نه تنها خود پیامبر ﷺ به زیارت آن‌ها می شتافت، حتی همسرش را نیز آموزش داد که آن‌ها را این گونه زیارت کند:

همسر پیامبر ﷺ و نیز دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا عليها السلام به زیارت قبور می رفتند و هیچ کس بر آنان ایراد نمی گرفت، ولی اکنون باب زیارت قبور بقیع به روی زنان بسته است. این نوعی تناقض میان سنت صحابه و رفتار دستگاه‌های دینی برخی کشورهاست. آیا حکم خدا در قرن چهاردهم دگرگون شده است؟ چرا باید زنان از آثار سازنده زیارت قبور، آن هم زیارت شهیدان و اولیا محروم باشند؟!

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ»^۸

«درود بر ساکنان مؤمن و مسلمان این سرزمین! خداوند همه مؤمنان را؛ چه آن‌ها که در گذشته‌اند و چه آن‌ها که خواهند مرد، رحمت کند. ما نیز به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.»

همسر پیامبر ﷺ و نیز دخت گرامی آن حضرت، فاطمه زهرا عليها السلام به زیارت قبور می رفتند و هیچ کس بر آنان ایراد نمی گرفت، ولی اکنون باب زیارت قبور بقیع به روی زنان بسته است. این نوعی تناقض میان سنت صحابه و رفتار دستگاه‌های دینی برخی کشورهاست. آیا حکم خدا در قرن چهاردهم دگرگون شده است؟ چرا باید زنان از آثار سازنده زیارت قبور، آن هم زیارت شهیدان و اولیا محروم باشند؟!

زیارت مرقد پیامبر ﷺ در احادیث

تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶) از فقیهان چیره دستی است که عقاید ابن تیمیه را در مورد عدم استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ نقد کرده و کتابی به نام «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» نوشته است.

وی در این کتاب احادیثی را که محدثان درباره زیارت قبر پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، گرد آورده است که می‌تواند مسأله را به حدّ تواتر برساند. حتی مفتی سابق عربستان سعودی - عبدالعزیز بن باز- به این جماعت پیوسته و با صراحت، به استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ فتوا داده است.^۹

اکنون در این جا تنها به نقل چند روایت می‌پردازیم:

عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

«مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي»^{۱۰}

«هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم بر او حتمی است.»

امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر نقل می‌کند:

«مَنْ زَارَنِي حَيًّا وَ مَيِّتًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۱۱}

«هرکس در دوران حیاتم و بعد مرگم زیارت کند، در روز قیامت شفیعیتم خواهم بود.»

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«أَتَمُّوا بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَجَّكُمْ إِذَا خَرَجْتُمْ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ فَإِنَّ تَرْكَهَ جَفَاءَ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُمْ وَ أْتَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَقَّهَا»^{۱۲}

«زمانی که آهنگ زیارت خانه خدا کردید، حج خود را با زیارت مرقد پیامبر ﷺ به پایان رسانید؛ زیرا ترک زیارت مرقد او، جفا بر آن حضرت است و شما به این کار مأمور شده‌اید و نیز با زیارت قبوری که به زیارت آنها ملزم شده‌اید، حج خود را به پایان رسانید.»

روی این اساس، همه مسلمانان جهان، در ایام حج، برنامه سفر خود را طوری تنظیم می‌کنند که یا در رفتن و یا به هنگام برگشتن، به زیارت مرقد پیامبر ﷺ موفق شوند. چه بسا راه دوری را بر می‌گزینند تا به این هدف جامه عمل بپوشانند.

تفسیر حدیث «لَا تُشَدُّ الرَّحَالَ...»

در این جا ممکن است سؤالی مطرح شود که این روایات، زیارت پیامبر ﷺ را مستحب می شمارد اما درباره سفر برای زیارت او سخن نمی گوید، بلکه می توان گفت که سفر طبق روایت ابوهریره، برای زیارت مرقد او جایز نیست؛ زیرا وی از پیامبر ﷺ نقل می کند:

«لَا تُشَدُّ الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِي هَذَا وَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى»^{۱۳}
«سفر جز به سوی سه مسجد انجام نمی گیرد: این مسجد من، مسجد الحرام و مسجد الاقصی»

ولی پاسخ این پرسش روشن است: موضوع در حدیث پیامبر ﷺ «شد رحال» (و سفر) به مساجد است نه سفر به غیر آنها؛ مثلاً زیارت قبور، زیارت والدین، سفر برای تجارت و یا تحصیل علم.

علت این که فقط برای این سه مسجد «شد رحال» می شود، این است که غیر این سه مسجد، در همه جا ثواب یکسانی دارد؛ مثلاً آن کس که در تهران است شایسته نیست برای درک ثواب مسجد جامع به شهر دیگر برود؛ زیرا ثواب مسجد جامع مثلاً تهران و سمنان یکسان است و این ارتباطی به زیارت قبور ندارد.

زیارت مساجد سبعة

زائران مدینه منوره به زیارت «مساجد سبعة» می روند و اگر مسجد «رد شمس»، «بلال» و «الاجابه» را بر آن ها بیفزاییم، شمار مساجد به ده می رسد. اگر زائران خانه خدا به زیارت این مساجد می روند، نه به خاطر آن است که در آن جا با گزاردن نماز اجر بیشتری ببرند، بلکه هدف، یاد و تجدید خاطره مسلمانان صدر اسلام است که در سخت ترین وضعیت (دوران جنگ احزاب یا خندق) برخی از این مساجد را ساختند و در آن ها نماز گزاردند. حضور در این مراکز، بستن پیمان با شهیدان آن راه است. در این جا هدف دیگری نیز هست و آن، تبرک جستن از این مساجد است که خون شهیدان راه توحید با آن ها عجین می باشد.

در پایان، آیه ای را یاد آور می شویم که به صورت آشکار دستور می دهد به زیارت قبور مؤمنان بشتاییم: «وَلَا تَصَلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ»^{۱۴}
در این آیه، پیامبر ﷺ در باره مشرکان، از دو چیز نهی شده است:

الف) بر هیچ یک از مردگان آنان نماز نگزار!

ب) در کنار قبر آن‌ها برای دعا توقف نکن!
بخش دوم آیه برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد و آن این که آیا مقصود از ایستادن در کنار قبر، تنها توقف در هنگام دفن است یا مفهومی گسترده‌تر دارد؟ مفسران معنای دوم را تأیید می‌کنند که به اختصار، کلام برخی از آنان را یادآور می‌شویم:

بیضاوی می‌گوید:
«لَا تَقِفُ عِنْدَ قَبْرِهِ لِلدَّفْنِ أَوْ الزِّيَارَةِ»^{۱۵}؛ «بر سر قبر منافقان، خواه برای دفن و خواه برای زیارت توقف نکن.»

همین نظریه را جلال‌الدین سیوطی^{۱۶} و عارف بورسی^{۱۷} و آلوسی بغدادی^{۱۸} آورده‌اند. در این صورت معنا چنین خواهد بود: «بر سر قبر هیچ یک از منافقان، در هیچ زمانی توقف نکن.» و مفهوم آیه این است که توقف بر قبر مؤمنان جایز و بلکه شایسته است، خواه برای دفن و خواه برای غیر آن. بنابر این، هر مسلمان با ایمانی می‌تواند از این فیض بهره‌مند باشد که پیامبر ﷺ در کنار قبر او توقف و برای او دعا کند، به جز منافقان که از این فیض بی بهره‌اند.

حفظ آثار صالحان در سایه زیارت قبور

آثار سازنده زیارت قبور، به‌ویژه زیارت قبور عالمان و شهیدان و اولیای الهی و پیامبر گرامی ﷺ در گرو حفظ قبور آنان است. زیارت، سبب بازسازی این قبور و صیانت آنهاست و



روشن است اگر امت اسلامی پیوند خود را با این مراقد متبرّک قطع کند؛ با گذشت زمان، این مراکز به دست فراموشی سپرده می‌شوند و اثری از آن‌ها باقی نمی‌ماند و در نتیجه دو خسارت بزرگ متوجه امت اسلامی می‌شود:

۱. آثار سازنده‌ای که در زیارت این مراکز بوده، از دست می‌رود.

۲. مسائل صدر اسلام و سیره و تاریخ اولیای دین به تدریج فراموش می‌شود و نسل‌های آینده با دیده‌ی شک و تردید به اصل حادثه می‌نگرند؛ زیرا زیارت قبور آن‌ها مایه‌ی تجدید خاطره‌ها بود و در صورت تحریم این اعمال، با گذشت زمان به دست فراموشی سپرده شده و نوشته‌ها نیز جایگزین مشاهده‌ها نمی‌شود و کم‌کم دیگر مسائل مربوط به اسلام نیز به همین سرنوشت دچار می‌شود و شک و تردید نسبت به خود آیین پیامبر خاتم و شخص شخیص او و برنامه‌هایش راه پیدا کرده و با گذشت زمان کم‌رنگ می‌شود؛ هم‌چنان که جریان درباره‌ی حضرت مسیح علیه السلام از این قرار است.

از خود حضرت مسیح و یاران او و کتابش اثر ملموسی بر جای نمانده و نسل حاضر که با محسوسات سر و کار دارد، نسبت به اصل وجود مسیح و آیین او، با دیده‌ی تردید می‌نگرد و چه بسا احتمال می‌دهد که این آیین، ساخته و پرداخته‌ی مورخان و داستان‌سرایان باشد. چنان‌که سرگذشت لیلی و معنون و شیرین و فرهاد به همین سرنوشت مبتلا شده است. به خاطر این آرمان است که قرآن مجید دستور می‌دهد خانه‌هایی که در آن‌جا صبح‌گاهان و عصر‌گاهان، تسبیح خدا گفته می‌شود مورد احترام و بزرگداشت قرار گیرد:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رَجُلٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَةِ الزَّكَاةِ يُخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾^{۱۹}

«(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده، دیوارهای آن‌را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن‌ها تسبیح او می‌گویند. مردانی که خرید و فروش و بازرگانی، آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها زیر و زبر می‌شوند.»

بنابراین، مقصود از «بیوت»، مساجد نیستند؛ زیرا مساجد غیر از بیوت است و در قرآن هم «بیت الله الحرام» غیر از «مسجد الحرام» است. بیت سقف لازم دارد تا ساکنان را از سرما و گرما

حفظ کند در حالی که در مسجد، پوشش و سقف شرط نیست و احياناً در مناطقی باز بودن سقف مستحب است.

در این صورت، خانه‌های اولیای الهی؛ مانند خانه علی علیه السلام و فرزندان او، که معبد شب و روز آن‌ها بوده، باید حفظ شود و مورد احترام قرار گیرد. اتفاقاً حرم عسکرین که از روی کینه توزی ویران شد، معبد ائمه بوده و پیوسته در آنجا نماز گزارده و تسبیح گفته‌اند.

سیوطی می‌نویسد: وقتی این آیه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در مسجد تلاوت کرد، مردی برخاست و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: در اینجا مقصود از بیوت، کدام خانه‌ها است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران. ابوبکر در حالی که به خانه علی و فاطمه علیهما السلام اشاره می‌کرد پرسید: آیا این هم از همان خانه‌هاست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از برترین آن‌ها است.^{۲۰}

امید است همه مسلمانان، در حفظ آثار اسلامی و یادگارهای پاکان و نیاکان و هرچه که به حفظ ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند، موفق باشند!

پی‌نوشت‌ها:

۱. مصباح المنیر، ص ۳۵۴
۲. لقمان: ۳۰
۳. کنز العمال، ج ۱۵، حدیث ۴۲۵۵۵
۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۰، باب ۴۴، از ابواب مزار، حدیث ۲
۶. نساء: ۶۴
۷. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۳، کتاب جناز.
۸. همان، ص ۶۴
۹. جریده الجزیره، تاریخ ۲۴ ذی القعدة، سال ۱۴۱۱، شماره ۶۸۲۶
۱۰. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۷۸، باب المواقی.
۱۱. قرب الاسناد، ۳
۱۲. خصال صدوق، ج ۲، ص ۴۰۶
۱۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۶، باب لا تشدّ الرّحال.
۱۴. توبه: ۷۴
۱۵. تفسیر بیضاوی، ج ۱، ص ۴۱۶
۱۶. تفسیر جلالین، توبه: ۸۴
۱۷. روح البیان، ج ۳، ص ۳۷۸
۱۸. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۱۵۵
۱۹. نور: ۳۷-۳۶
۲۰. الدر المنثور، در تفسیر آیه یاد شده.